

خانواده و نقش آن در ابراز محبت و مهرورزی

جواد آدینه

دکتری مشاوره، خانواده و کودک، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، ایران

چکیده

بدون شک ابراز مهر و محبت به شیوه های مختلف صورت می گیرد و فقط یک موضوع عاطفی و روانی نبوده و به تمام جنبه ها و زوایای زندگی یک فرد مربوط می شود. بنابراین ابراز محبت می تواند به شکل های مختلفی بروز نماید که مشخص ترین آن تاثیر روانی و عاطفی است، اما درصد بسیار زیادی از ابراز محبت می تواند به صورت جنبه های مادی باشد. باید توجه داشت که ابراز محبت باید در تمام جنبه های آن مورد توجه قرار بگیرد، چه مادی و چه معنوی. این تحقیق علاوه بر جنبه های مادی و معنوی ابراز محبت که معمولاً به صورت آگاهانه در خانواده ها بروز می کند مواردی را که به صورت غیر آشکار می تواند بر ابراز محبت در خانواده تاثیر داشته باشد مورد بررسی قرار می دهد. به عنوان مثال نقش ساختار خانواده در میزان ابراز محبت و یا تاثیر خانواده های مشکل دار در میزان ابراز محبت و بالعکس (یعنی تاثیر محبت و مهرورزی بر روی ساختار خانواده و بهبود روابط) مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: خانواده، محبت، مهرورزی



بیان مساله:

والدین بر فرزندان خود به روشهای گوناگون اثر می گذارند، مکانیسم های مختلفی که ممکن است اثرات ساختار خانواده بر پیامد های رفتاری فرزندان را نشان دهد، بشمار است. با این وجود چهار مکانیسم اولیه که در منابع مختلف درباره ی آنها بحث شده است عبارتند از: وضعیت اقتصادی، اجتماعی سازی والدین، استرس کودکی و رفاه روانشناختی مادری.

چهار دیدگاه تئوریک باعث فرضیه هایی درباره اینکه آیا ساختارهای خانوادگی از یکدیگر متفاوتند و اگر هستند چگونه، شده است. یک دیدگاه این است که بدنامی فاکتور کلیدی است که منجر به پیامدهای توسعه ای ضعیف می شود. خانواده های فرزند خوانده رفاه کمتر و کیفیت روابط ضعیف تری نسبت به خانواده های واقعی نشان می دهند. مادر خوانده ها بیان می کنند که بچه های آنها بیشترین مشکلات برون سازی را دارند.

دومین دیدگاه این است که اجتماعی سازی توسط دو والد بهینه است. اگر این مسئله درست باشد، باید انتظار داشت که خانواده های تک والدی بدتر از سایر چهار نوع دیگر باشند. مشخص شده که مادران تنها رفاه کمتری نسبت به مادران متاهل داشتند. آنها در روش های سازگار از سایر خانواده ها متفاوت نبودند و بچه ها در خانواده های مادر تنها هیچ تفاوتی در رفاه یا سایر روابط در مقایسه با سایر خانواده ها گزارش نداده اند.

سومین دیدگاه بر تقدم روابط تنی با دو والد تاکید دارد. بر اساس این دیدگاه می توان انتظار داشت که خانواده های تک والدی، والد ناتنی و فرزند خوانده در مقایسه با خانواده هایی که دو والد متاهل که با فرزندان تنی خود زندگی می کنند، ناقص هستند. یافته های تحقیقی حمایت محدودی برای این دیدگاه ایجاد می کند.

دیدگاه چهارم اهمیت فرایندهای خانواده در همه ساختارهای خانواده را بیان می کند و بیان می کند که ساختار خانواده در پیش بینی رفاه و کیفیت روابط و میزان مهرورزی و کیفیت روابط نسبتاً غیر مهم است. مهر و محبت یکی از برترین و بارزترین گوهرهای وجودی انسان بوده و مهرورزی اساس شکل گیری و انسجام جوامع انسانی را تشکیل می دهد. در سایه ی مهر و محبت انسان ها روابط سالم با یک دیگر برقرار کرده و امکان پیشرفت جامعه ی خود را فراهم می آورند. بدون شک وجود مهر و محبت در یک جامعه اطمینان و اعتماد افراد به یک دیگر را افزایش داده و با کاهش تنشها و مشکلات ناشی از آن، تمام توان انسان صرف نیکوکاری و پرداختن به هموعان خواهد شد. وجود مهر و محبت و مهرورزی در یک خانواده از مهمترین ویژگی های یک خانواده ی موفق و سالم می باشد. برقراری روابط محبت آمیز بین والدین و همچنین بین والدین و فرزندان و بین فرزندان با یکدیگر می تواند اطمینانی برای پیشرفت کودکان باشد. چرا که کودکان در سایه ی مهر و محبت می توانند جدای از استرس ها و تنشها و نگرانی ها به فعالیت



پرداخته و استعدادهای خود را شکوفه کنند. با توجه به اهم مهرورزی و نقش خانواده در ابراز مهر و محبت، این تحقیق به بررسی این موضوع پرداخته است.

اهداف

بدون شک خانواده، مهمترین و بنیادی ترین نقش را در شکل گیری افکار، عقاید، نگرش‌ها، رفتار، شخصیت و نحوه ی زندگی و عملکرد هر فرد دارد. اولین و مهمترین آموزش‌هایی که به هر یک از افراد بشر در طول تاریخ داده شده است در درون خانواده شکل گرفته. پدر و مادر به عنوان اولین آموزگاران بشریت، منش‌ها و اخلاق را به کودک آموخته اند و شخصیت او را تا حد زیادی شکل داده اند. افرادی که در کودکی از مهر و محبت خانواده برخوردار بوده اند، تحت حمایت خانواده توانسته اند به یک جهان‌بینی دقیق و صحیح دست یابند و مراحل پیشرفت را طی کرده، باعث ترقی جامعه ی خویش شوند. مهر و محبت خانواده و تاثیر آن بر پیشرفت فردی و اجتماعی و همچنین تاثیر خانواده در گسترش مهرورزی و تمایل افراد برای ابراز محبت، موضوعی است که در این پژوهش مورد نظر بوده است. بدون شک ابراز مهر و محبت به شیوه های مختلف صورت می‌گیرد و فقط یک موضوع عاطفی و روانی نبوده و به تمام جنبه ها و زوایای زندگی یک فرد مربوط می‌شود. بنابراین ابراز محبت می‌تواند به شکل‌های مختلفی بروز نماید که مشخص ترین آن تاثیر روانی و عاطفی است، اما درصد بسیار زیادی از ابراز محبت می‌تواند به صورت جنبه های مادی باشد. باید توجه داشت که ابراز محبت باید در تمام جنبه‌های آن مورد توجه قرار بگیرد، چه مادی و چه معنوی. این تحقیق علاوه بر جنبه‌های مادی و معنوی ابراز محبت که معمولاً به صورت آگاهانه در خانواده‌ها بروز می‌کند مواردی را که به صورت غیر آشکار می‌تواند بر ابراز محبت در خانواده تاثیر داشته باشد مورد بررسی قرار می‌دهد. به عنوان مثال نقش ساختار خانواده در میزان ابراز محبت و یا تاثیر خانواده های مشکل دار در میزان ابراز محبت و بالعکس (یعنی تاثیر محبت و مهرورزی بر روی ساختار خانواده و بهبود روابط) مورد بررسی قرار گرفته است.

پیشینه ی تحقیق

ارتباط بین ساختار خانواده و پیامدهای اخلاقی و رفتاری و همچنین نحوی تاثیر این ساختارها بر نوع زندگی آینده ی افراد جوان زیاد مورد سوال قرار نگرفته است (McLanahan & Sandefur, 1994; Wu, Cherlin, & Bumpass, 1997). برای بررسی میزان تاثیر عوامل مختلف روحی روانی و یا مادی خانواده بر روی فرزندان میتوان از مقایسه ی ساختارهای مختلف خانواده گي و تاثیر این ساختارها استفاده نمود. بررسی‌ها نشان داده که خانواده های تک والدی یعنی خانواده‌هایی که یکی از والدین (پدر یا مادر) با آنها زندگی نمی‌کنند می‌تواند ارتباط زیادی با رفتارهای مشکل دار جوانان داشته باشد (Dornbusch et al. , 1985; Steinberg, 1987). (البته باید توجه داشت که در زندگی بسیار



پیچیده‌ی انسان عوامل و شرایط بسیار متنوعی دخالت دارند که می‌توانند این نتایج را دگرگون کنند اما در یک جامعه‌ی آماری می‌توان تا حدود زیادی احتمال تاثیر هر موضوع را بررسی کرد. همچنین این نوع ساختار تک والدی خانوادگی ارتباطی نگاتنگ با مشکلاتی مانند استفاده جوانان از مواد مخدر، الککل و تنباکو (Covey & Tam 1990; Stern, Northman, & Van Slyck, 1984)، خود باوری پایین (Parish, 1991)، ترک مدرسه (Astone & McLanahan, 1991)، سن پایین در هنگام ترک خانه (Goldscheider & Goldscheider, 1993) و فعالیت جنسی زود هنگام (Tornton & Camburn, 1987; Wu, 1996) داشته است. به این علت که والدین بر فرزندان خود به روشهای گوناگون اثر می‌گذارند، مکانیسم‌های تئوریک که ممکن است اثرات ساختار خانواده بر پیامدهای رفتاری فرزندان را نشان دهد، بشمار است. با این وجود چهار مکانیسم اولیه که در منابع مختلف درباره‌ی آنها بحث شده است عبارتند از: وضعیت اقتصادی، اجتماعی سازی والدین، استرس کودکی و رفاه روانشناختی مادری.

روش تحقیق

با توجه به گسترده بودن اطلاعات و تحقیقات انجام شده در جنبه‌های مختلف خانواده و اهمیتی که این موضوع در دنیای امروزی دارد، می‌توان از مقالات علمی جدید برای بهبود روابط خانواده و ارتقاء سطح کیفیت روابط خانواده گئی استفاده کرد. وجود اطلاعات و مقالات بی‌شمار در زمینه‌ی خانواده باعث می‌شود، تفکیک یک موضوع خواص و بررسی دقیق آن احتیاج به جمع‌آوری تعداد بسیار زیادی از این گونه مقالات علمی داشته باشد. از این رو در این تحقیق از تعداد ۲۸ منبع علمی جهت تکمیل اطلاعات استفاده شده است. این تحقیق به روش کتابخانه‌ای انجام شده است و از مجلات علمی مختلف استفاده شده است. این مقالات بیشتر از کتابخانه‌های دانشگاه تهران و تربیت مدرس و همچنین از سازمان ملی جوانان تهیه شده و بعد از مطالعه دقیق آنها موضوعاتی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم با مهرورزی ارتباط داشته است انتخاب شده. موضوعات دسته بندی شده و بعد از تکمیل آنها و بیان دیدگاه‌ها نتیجه گیری در مورد موضوع بیان شده است.

ارتباط بین ساختار خانواده بر ابراز محبت و پیامدهای رفتاری جوانان و نوجوانان

والدین بر فرزندان خود به روشهای گوناگون اثر می‌گذارند، مکانیسم‌های مختلفی که ممکن است اثرات ساختار خانواده بر پیامدهای رفتاری فرزندان را نشان دهد، بشمار است. با این وجود چهار مکانیسم اولیه که در منابع مختلف درباره‌ی آنها بحث شده است عبارتند از: وضعیت اقتصادی، اجتماعی سازی والدین، استرس کودکی و رفاه روانشناختی مادری. در ادامه به بررسی هر یک از این مکانیسم‌ها پرداخته شده



است. باید توجه داشت که ساختارهای مختلف اجتماعی و فرهنگی هر جامعه می تواند تاثیرات بسیار زیادی بر نوع اثر ساختار خانواده بر افراد داشته باشد.

وضعیت اقتصادی:

یکی از عوامل مهم تعیین کننده ی اثر ساختار خانواده بر پیامدهای رفتاری و اجتماعی جوانان، وضعیت اقتصادی خانواده می باشد زیرا ساختار خانواده و وضعیت اقتصادی همبسته هستند و درآمدهای پایین پیامدهای منفی برای بچه ها دارد (Duncan & Brooks-Gunn, 1997). اگرچه دور بودن پدر از خانواده، انتظار می رود که پرداخت های منظمی برای حمایت آنها را موجب شود ولی تقریباً دو سوم مادران تنها هیچ کمکی برای فرزندان دریافت نمی کنند (Sorensen, 1997). خانواده هایی که سرپرست آنها زن است بیش از پنج بار فقیرتر از خانواده های مزدوج می باشند (Baugher & lamison-White, 1996) و درآمد متوسط آنها حدود یک سوم درآمد این زوجین می باشد. بچه هایی که فقر دائمی را تجربه نموده اند با نقص های نموی مواجه هستند (Korenman, Miller, & Sjaastad, 1995). یک دلیل این می تواند باشد که خانواده های کم درآمد قادر به تامین غذا، مسکن و سایر کالاهای لازم که برای نمو سالم اجتماعی و شناختی بچه ها می شود، نیستند (Hill et al., 2001). همچنین درآمد خانواده نوع محله ای را که خانواده ها می توانند زندگی کنند تحت تاثیر قرار می دهد و بچه ها در جوامع پر درآمد، تاثیر مثبت دوستان را دریافت می کنند که در تحریک رفتار اجتماعی آنها بسیار موثر است (McLanahan & Sandefur, 1994). بعلاوه فقر و فشار اقتصادی می تواند منجر به والدی غیر موثر شود که پیامد های معکوس برای نمو و تنظیم بچه ها و ابراز محبت به آنها دارد (Dodge, Petit, & Bates, 1994).

اجتماعی سازی:

خانه برای کودک زمینه ای ایجاد می کند که در آنجا آموختن و اجتماعی سازی صورت گیرد و جدای از سایر متغیرها، کیفیت و محیط خانه و بویژه میزان مهرورزی در خانواده نتایج مهمی برای بچه ها دارد. یک محیط خانه ی مناسب مرتبط با فرصتهایی برای یادگیری و آموختن بوده و با گرمی و حمایت احساسی و مهرورزی باعث رشد سالم و نمو بچه ها خواهد شد (Bradley & Rock, 1998). وقتی که دو والد در خانه باشند، مسئولیت کنترل بچه ها را تقسیم نموده و تشویق ها و روش های مورد نیاز را ایجاد می کنند. زمانی که والدین جدا زندگی می کنند والد ساکن اغلب تهیه کننده ی اولیه ی منابع اقتصادی می شود و بنابراین وادار به اعمال محدودیت زمانی برای کنترل و اجتماعی سازی بچه ها می شود. والد غیر ساکن کمتر به فعالیت های بچه ها نزدیک بوده و بنابراین کنش منظم کمتری در فعالیت های روزانه دارد و می توان



گفت که صرف زمان کمتر برای توجه ابراز محبت به فرزندان می تواند میزان اجتماعی سازی را به میزان قابل توجهی کاهش دهد.

استرس

تئوری استرس بیان می کند که تغییرات در سازمان خانواده و شرایط باعث ایجاد استرس در زندگی بچه ها می شود. به این دلیل که تغییرات ممکن است منجر به ایجاد دگرگونی هایی در پویایی خانواده، سازماندهی و نقش هایی شود که باعث تغییرات رفتاری برای بچه ها و افراد بالغ می شود (Hill et al., 2001). حوادث معین خانواده به علت برخورد و مشاجره ی مشاهده شده بین والدین، تغییرات در ترکیب خانه و یا تغییرات در موقعیت مسکونی به طور مستقیم استرس را افزایش می دهد. بچه ها ممکن است در پاسخ به مشکلات خانه، از محیط خانواده زده شده و اجتماعی سازی، مهر و محبت و تربیت کمتری از سوی والدین دریافت نمایند و یا اینکه تحت تاثیرات منفی دوستان قرار گیرند. بعضی از محققان بیان کرده اند که فشار تغییر خانواده فزاینده می باشد زیرا هر تغییر نیازمند سازش مجدد می باشد و بنابراین تعداد گذرهای خانواده، پیامدهای منفی بیشتری بر بچه ها دارد (Amato, 1993).

رفاه روانشناختی مادری:

سلامت روانی مادر مکانیسم دیگری است که ممکن است مسئول اثرات ساختار خانواده بر رفتار بچه ها و نمرات تست شناختی بچه ها باشد. مادران تنها نرخ های بالاتری از افسردگی و سطوح پایین تری از عملکرد روانشناختی را نسبت به سایر مادران نشان می دهند (McLanahan & Adams, 1987). این امر ممکن است به علت فشار ناشی از تجزیه ی خانواده و یا فشار هر روزه ی سازش و برخورد با مشکلات خانواده و منابع مالی یا اجتماعی محدود شده و یا کمبود محبت باشد. سلامت روانی ضعیف مادران به طور معکوس رفتار فرزندان را تحت تاثیر قرار می دهد (Downey & Coyne, 1990). این ممکن است به علت رفاه روانشناختی کم باشد و یا به علت دید منفی مادران افسرده درباره ی فرزندان که ممکن است درک او را از مشکلات رفتاری افزایش دهد (Friedlander, Weiss, & Traylor, 1986).

مقایسه ی میزان مهرورزی در بین خانواده های دارای فرزند خوانده، دو والدی تنی، مادر تنها، پدر خوانده و مادر خوانده

در این بخش میزان مهرورزی و ابراز محبت و کیفیت روابط خانواده و رفاه در بین ساختار متفاوت خانوادگی با تاکید بر خانواده های دارای فرزند خوانده مورد بررسی قرار می گیرد. محققان این تحقیقات را به چندین روش بررسی نموده اند. غالباً این بررسی ها با مقایسه ی محدودی وسیعی از پیامدها برای فرزندان و والدین آنها در خانواده های دو والدی در مقابل خانواده های تک والدی و ناتنی بوده است.



ساختار خانوادگی دارای فرزند خوانده یک فرم خانوادگی می باشد که به طور فزاینده ای در دنیا در حال معمول شدن می باشد. تعدادی از مطالعات نشان می دهد که فرزند خواندگی با افزایش احتمال مشکلات رفتاری، نواقص و معایب روانی و سایر پیامدهای منفی مرتبط می باشد (Haugaard, 1998) اما بسیاری از مطالعات دیگر هیچ گونه تفاوت مهمی بین کمبودهای بچه های واقعی و فرزند خوانده پیدا نکرده اند (Borders, Black, & Pasley, 1998). اکثر تحقیقات از خانواده های دو والدی به جای سایر انواع معمول خانواده به عنوان پایه ی مقایسه برای خانواده های دارای فرزند خوانده استفاده می کنند. در این قسمت تفاوت های ساختار خانواده در میزان مهرورزی، آسایش روانی و کیفیت روابط فرزند خوانده و والدین در یک نقطه ی زمانی با مقایسه ی آنها با اعضای چهار نوع خانواده دیگر مورد بررسی قرار می گیرد. این چهار نوع خانواده شامل الف) خانواده های واقعی دو والدی، ب) خانواده های تک مادر که بعد از طلاق فرزند واقعی بزرگ می کنند، ج) خانواده ی پدر خوانده و د) خانواده ی مادر خوانده. برای توضیح این ساختارهای متفاوت خانواده چند دیدگاه تئوریک وجود دارد هر یک از این دیدگاه ها به طور متفاوتی بر روی موضوعاتی مانند بدنام سازی اجتماعی این خانواده ها، روابط زیست شناختی و فرایندهای خانواده بحث می کنند. هر دیدگاه با جزئیات در زیر بحث شده اند.

بد نام سازی به عنوان یک فاکتور کلیدی:

فرزند خوانده های و والدین آنها اغلب با تبعیض و بد نام سازی مواجه هستند. با توجه به منابع مختلف (Brodzinsky, 1987) روابط فرزند خواندگی اغلب بدنام می شوند. به علت انتظارات اجتماعی، والدین فرزند خوانده ممکن است از نظر نقش های والدی مورد سوال قرار گیرند. بعلاوه فرزند خوانده ها تبعیض قانونی و اجتماعی و رفتارهای تبعیض آمیز دیگران را گزارش می کنند. در مواردی مشکلات درمانی گزارش شده است چرا که فقدان اطلاعات گذشته ی درمانی خویشاوندان واقعی می تواند در درمان و یا پیشگیری از برخی بیماری ها موثر باشد. خانواده های دارای فرزند خوانده نسبت به سایر ساختارهای خانواده بد نام تر می باشند چرا که بقیه ی ساختارهای خانوادگی حداقل شامل یک والد واقعی می باشند و بنابراین در اکثر موارد دارای رفاه پایین تر، کیفیت روابط ضعیف تر و میزان مهر و محبت کمتری دریافت می کنند.

اجتماعی سازی توسط دو والد به صورت بهینه:

با توجه به تئوری های اجتماعی سازی که حضور دو والد را برای اجتماعی سازی بهینه ی بچه ها حیاتی می داند، اعضای خانواده های تک والدی بیشتر در خطر می باشند. بسیاری از محققان بیان نموده اند که اختلافات در میزان منابع اقتصادی بین خانه های تک والدی با خانواده های دو والدی ممکن است مسئول پیامدهای نامناسب برای بچه های خانواده های تک والدی باشد. تک والدی طولانی مدت اغلب با عوامل



استرس حاد مثل دسترسی کم به حمایت‌های ابزاری و احساسی رخ می‌دهد (Thompson & Ensminger, 1989).

تحقیق طلاق و والدین ناتنی: تقدم روابط تنی:

مطالعات زیادی نشان داده است که بچه‌های طلاق و ازدواج مجدد، مشکلات رفتاری و عاطفی منفی در مقایسه با بچه‌های خانواده‌های سالم نشان می‌دهند. برای مثال بچه‌های طلاق، تک والدی و خانواده‌های با ازدواج مجدد بیشتر مضنون به درونی سازی و برون سازی مشکلات، خود باوری پایین، رفتار بزهکارانه هستند. چندین دیدگاه که مسئول تنظیم منفی بچه‌ها با والدین و ازدواج مجدد است مورد بررسی قرار گرفته است (Amato, 1993). این دیدگاه‌های شامل غیاب یکی از والدین تنی، دوره‌ی سازش مشکل برای والدین سرپرست، برخورد و ناسازگاری بین والدین، سختی اقتصادی و تغییرات زندگی پر استرس. شواهدی وجود دارد که نقش‌های منفی والدین ناتنی در اشکال جدید خانواده شکل می‌گیرد و رابطه‌ی والد-فرزند در خانواده‌های بدون دو والد تنی با فاصله‌ی بیشتر یا ناسازگاری توصیف می‌شود.

تأثیر فرایندهای خانواده:

بررسی در مورد فاکتورهای فرایند خانواده بین انواع مختلف خانواده نسبتاً نادر است. اما برخی از بررسی‌ها نشان داده است که سازش فرزندان بزرگتر به دنبال طلاق والدین از سازش بچه‌ها در سایر اشکال خانواده بعد از سازش مادر می‌باشد. کیفیت رابطه‌ی مادر-فرزند و سایر شاخص‌های اجتماعی که ارزش آزمایش ساختار و فرایند را به طور همزمان نشان می‌دهد، فرق نمی‌کند. محققان پی برده اند که پیامدهای سلامت روانی به خوبی توسط گزارش‌های نوجوانان از وجود مهر و محبت و گرمی در خانواده پیش‌بینی می‌گردد (Benson et al. 1994). بعلاوه بدون در نظر گرفتن ساختار خانواده و وضعیت طلاق، بچه‌ها در خانواده‌های پر مشاجره مشکلات تطابقی بیشتری را نسبت به سایر بچه‌ها تجربه می‌کنند. رفاه نوجوانان در چهار ساختار خانواده مطالعه شده است و نشان داده شده که تفاوت در رفاه بچه‌ها به عنوان عملی از ساختار خانواده نسبتاً ناچیز بوده بویژه وقتی با تفاوت‌های عمل متغیرهای فرایند خانواده مقایسه گردید. یافته‌ها این نظر را که ساختار خانواده به طور معکوس رفاه اعضای خانواده را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، حمایت می‌کند. بر اساس این دیدگاه خانواده‌های فرزندخوانده در روش‌های سیستماتیک از سایر انواع خانواده با توجه به رفاه و کیفیت روابط اجتماعی فرقی نمی‌کند.



اهمیت ساختار خانواده در پیش بینی رفاه روانی، مهرورزی و کیفیت روابط اعضای خانواده:

هدف ما بررسی اهمیت ساختار خانواده در پیش بینی رفاه روانی، مهرورزی و کیفیت روابط اعضای خانواده در پنج شکل مختلف خانواده می باشد. چهار دیدگاه تئوریک باعث فرضیه هایی درباره این که آیا این خانواده ها از یکدیگر متفاوتند و اگر هستند چگونه شده است. یک دیدگاه این است که بدنامی فاکتور کلیدی است که منجر به پیامدهای توصیفی ضعیف می شود. خانواده های فرزند خوانده رفاه کمتر و کیفیت روابط ضعیف تری نسبت به خانواده های واقعی نشان می دهند. مادر خوانده ها بیان می کنند که بچه های آنها بیشترین مشکلات برون سازی را دارند. و مادران در خانواده های دو والدی واقعی کمترین مشکل را در این زمینه دارند. مادر خوانده ها عدم توافق با فرزندان را نسبت به سایر مادرها گزارش می کنند. دومین دیدگاه این است که اجتماعی سازی توسط دو والد بهینه است. اگر این مسئله درست باشد، باید انتظار داشت که خانواده های تک والدی بدتر از سایر چهار نوع دیگر باشند. مشخص شده که مادران تنها رفاه کمتری نسبت به مادران متاهل داشتند. آنها در روش های سازگار از سایر خانواده ها متفاوت نبودند و بچه ها در خانواده های مادر تنها هیچ تفاوتی در رفاه یا سایر روابط در مقایسه با سایر خانواده ها گزارش نداده اند. سومین دیدگاه بر تقدم روابط تنی با دو والد تاکید دارد. بر اساس این دیدگاه می توان انتظار داشت که خانواده های تک والدی، والد ناتنی و فرزند خوانده در مقایسه با خانواده هایی که دو والد متاهل که با فرزندان تنی خود زندگی می کنند، ناقص هستند.

یافته های تحقیقی حمایت محدودی برای این دیدگاه ایجاد می کند. بعلاوه پدرها در خانواده های دو والدی گزارش نموده اند که زمان بیشتری با بچه های خود می گذرانند و پیوستگی خانوادگی بیشتری نسبت به پدران در سایر خانواده ها دارند. دیدگاه چهارم اهمیت فرایندهای خانواده در همه ساختارهای خانواده را بیان می کند و بیان می کند که ساختار خانواده در پیش بینی رفاه و کیفیت روابط و میزان مهرورزی و کیفیت روابط نسبتاً غیر مهم است. در واقع پدرها از ساختارهای متفاوت خانواده در گزارش های خود در مورد رفاه خود، رفاه بچه ها، پایه ی تحصیلی بچه ها، روابط خانوادگی، دوستی بچه ها، میزان محبت به بچه ها و برعکس، تفاوتی را بیان نمی کنند. همچنین تفاوت های ساختار خانواده در رفاه مادر و گزارش های مادر از رفاه بچه ها بعد از کنترل متغیرهای فرایند خانواده مهم نمی باشد. به طور خلاصه بیشترین حمایت برای دیدگاهی است که پیشنهاد می کند فرایندهایی که در همه ی انواع خانواده رخ می دهند مهمتر از ساختارهای خانواده در پیش بینی رفاه، مهر و محبت و پیامدهای روابط می باشند. این موضوع بویژه برای گزارش های پدران و فرزندان صحیح می باشد. الگوی یافته ها بر اساس گزارشات مادران بسیار پیچیده بود ولی بعد از کنترل برای عدم توافق بین همسران و بین مادران و بچه ها تفاوت های ساختار خانواده در رفاه مهم نبود. علاوه بر تهیه ی اطلاعات درباره ی زندگی بچه ها، مطالعات انجام شده اطلاعات مهمی با بیان رفاه والدین و روابط آنها ایجاد می نماید. وارد نمودن رفاه والدین تصویر کامل تری از چگونگی انواع



مختلف خانواده می‌دهد. بعلاوه مطالعه‌ی اولیه‌ی خانواده‌های فرزند خوانده بر پایه‌ی جمعیت‌های کلینیکی و گروه‌های تیپیک کنترل و یا کنترل‌های ضعیف، اندازه‌های کوچک نمونه، و تعداد محدود معیارهای پیامد با قابلیت اعتماد قابل سوال و اعتبار، مطالعات نتایج روش شناختی این کار اولیه را نشان می‌دهد. محدودیت‌هایی نیز مثل عدم وجود اطلاعات در مورد شرایط پیش‌بینی کننده‌ی فرزند خواندگی، بخاطر اینکه بچه‌های با نیازهای ویژه ممکن است مشکلات نموی و رفتاری به خانواده‌های خود بیاورند و در نتیجه این بچه‌ها ممکن است پیامدهای بدنی به دنبال فرزند خواندگی داشته باشند، بنابراین یک جهت کلیدی برای تحقیقات آینده بررسی ارتباط‌های بین فرایند‌های خانواده، کیفیت روابط، رفاه درون و میان ساختارهای خانواده خواهد بود. یافته‌های تحقیقاتی پیشنهاد می‌کند که فرزند خواندگی، طلاق و ازدواج مجدد لزوماً با مشکلات تنظیمی که در منابع کلینیکی گزارش شده مرتبط نمی‌باشد.

مهرورزی در سیره امام موسی کاظم(ع)

امام کاظم (ع) علیه السلام می‌فرماید:

مهرورزی و دوستی با مردم، نصف عقل است.

از آنجا که امام کاظم (ع) در یکی از سخت‌ترین دورانهای مبارزه و دشوارترین اوقات تقيه و پنهانکاری می‌زیسته است، ثبت ماجراها و داستانهای ایشان و گذر از حصار ممنوعیتهای رژیم حاکم و رسیدن به نسلهای بعدی در حد خود یک معجزه به حساب می‌آید. بر ماست که بر این داستانهای که به دست ما رسیده استدلال کنیم اگر چه می‌دانیم آنچه به دست ما رسیده قطره‌ای از معجزات و داستانهای شگفت انگیز آن حضرت می‌باشد.

عبادت و زهد امام

یکی از برجسته‌ترین نشانه‌های رهبران مکتبی، زهد و پارسایی و عبادت در درگاه خداست. روزگاری که امام کاظم (ع) در آن می‌زیست به "قرن طلایی" معروف بود. در آن هنگام کاخهای فرمانروایان عباسی آکنده از ثروتهای هنگفت و شاهد برپایی جشنهای پرخرج و هزینه بود. برخی از این صحنه‌ها را می‌توان در کتاب داستانهای هزار و یک شب خواند. در چنین روزگاری ابراهیم بن عبدالحمید می‌گوید: "به خانه امام کاظم (ع) رفتم. او به نماز ایستاده بود. در خانه اش چیزی نبود مگر منسوجی از برگهای درخت خرما (یا جامه‌ای بسیار خشن) و شمشیری آویخته و یک قرآن. آن حضرت از شدت فروتنی و تواضع در برابر خداوند و عبادت به درگاه او پیاده به زیارت خانه خدا می‌رفت و اگر مسافت ۴۰۰ کیلومتری میان مکه و مدینه و طبیعت صحرای عربستان را در نظر بگیریم آنگاه به نهایت تحمل و بردباری امام کاظم (ع) در برخورد با دشواریها در راه خداوند، پی خواهیم برد. علی بن جعفر گوید: با برادرم موسی بن جعفر و اهل و عیالش ۴ بار پیاده به حج رفتیم. یک بار آن حضرت در مدت ۲۶ روز و بار دیگر ۲۵ روز و سومین بار ۲۴



روز و مرتبه چهارم ۲۱ روز مسافت میان مدینه و مکه را پیاده طی کرد. درباره علاقه وافر آن حضرت به نماز که نور چشم مؤمنان و ساعت دیدار دو دوست با یکدیگر است، حدیث زیر چنین می گوید: "روایت شده است که امام موسی بن جعفر (ع) نافله های شب را به جای می آورد و آنها را به نماز صبح متصل می کرد و آنگاه تا طلوع آفتاب به تعقیبات می پرداخت و سپس به سجده می افتاد و تا نزدیک زوال سر از سجده و ستایش خداوند بر نمی داشت. بسیار دعا می کرد و پیوسته می فرمود: "اللهم انی اسألك الراحة عند الموت، والعفو عند الحساب". یکی دیگر از دعاهاى ایشان این بود که می گفت: "عظم الذنب من عبدك فلیحسن العفو من عندك". از ترس خدا بسیار می گریست تا آنجا که محاسنش از اشک خیس می شد. بیشتر از دیگر مردمان صله رحم به جای می آورد و فقرای مدینه را مورد تفقد قرار می داد. درباره نحوه قرائت قرآن آن بزرگوار، حفص روایت کرده است که: کسی را بر خویش بیمناک تر از موسی بن جعفر (ع) و امیدوارتر از او به مردم ندیدم، به حزن قرآن می خواند و چنان تلاوت می کرد که گویی انسانی را مخاطب قرار داده است.

بخشش و کرم امام

با توکل بر خدا و یقین به او، پاداش نیکوکاران در پیشگاه الهی فزونی می گیرد. اعتماد به اینکه خداوند روزی ده و نیرومند است، به مومن غنائی می بخشد که از فقر و تنگدستی نمی هراسد. امامان ما نمونه هائی والا در بخشش و کرم هستند. امام موسی بن جعفر (ع) با وجود سختی شرایط و اوضاعی که در آن می زیسته، در جود و کرم شهره آفاق بوده است. در این باره از محمد بن عبدالله بکری روایت شده است که گفت: در طلب وامی به مدینه در آمدم. اما (به مقصود خود نرسیدم) خسته شدم و با خود گفتم: ای کاش نزد ابوالحسن (ع) بروم و حال خود را برای او بازگو کنم. از این رو به مزرعه آن حضرت رفتم و خدمت او رسیدم. آن حضرت به همراه غلامش به سوی من آمد همراه غلام ظرفی بود که در آن مقداری گوشت غذا نیم پخته بود و جز آن چیز دیگری نداشتند، امام مشغول خوردن شد و من نیز خوردم. سپس از حاجتم پرسید و من ماجرای خود را برای او باز گفتم. پس آن حضرت به درون رفت و اندکی نگذشت که به سوی من برون آمد و به غلامش گفت: برو. سپس دست خود را به طرف من دراز کرد و کیسه ای که در آن ۳۰۰ دینار بود، به من داد. آنگاه برخاست و رفت، من نیز بر مرکب خویش سوار شده باز گشتم.

شجاعت و استقامت

امام کاظم (ع) با همان قدرت و اراده بزرگی که پیامبران (ع) از آن برخوردار بودند، رسالت انبیا را بر دوش گرفت. او با تمام مظاهر طغیان استکبار و فساد، تنها با اتکا بر پروردگار جهانیان به رویارویی برخاست. هنگامی که فضل بن ربیع نزد آن حضرت آمد عرض کرد: ای ابو ابراهیم! خداوند تو را رحمت کند برای مجازات آماده شو، آن حضرت به وی فرمود: آیا "مالک دنیا و آخرت پشتیبان من نیست؟ امروز نمی توانید



به من آسیبی برسانید، ان شاء الله. "همچنین هنگامی که بر هارون الرشید، این فرمانروای سرکش و مغرور که روزی با ابرها سخن می گفت و به وسعت امپراتوری خویش می نازید و می گفت: چه شرق و چه غرب، هر کجا که بباری خراج تو را برای من می آورند! وارد می شود. هارون از آن حضرت می پرسد: این دنیا چیست؟ امام موسی بن جعفر (ع) به او پاسخ می دهد: این سرای فاسقان است و این آیه را تلاوت فرمودند: "سأصرف عن آياتي الذين يتكبرون في الأرض بغير الحق وإن يروا كل آية لا يؤمنوا بها وإن يروا سيل الرش لا يتخذوه سبيلاً وإن يروا سبيل الغي يتخذوه سبيلاً. . . (اعراف/۱۴۶)" به زودی آن کسان را که در روی زمین به ناحق تکبر کردند از آیات خویش بگردانم و اگر ایشان هر آیه ای را ببینند بدان ایمان نیاورند و اگر راه راست ببینند آن را راه "خود" نگیرند و اگر راه گمراهی را ببینند، آن را راه "خود" می گیرند. . . "هارون پرسید: دنیا خانه کیست؟ امام فرمود: دنیا برای شیعیان ما یک فتره (برهه) و برای دیگران فتنه است. هارون پرسید: چرا صاحب این سرا (خدا) آن را پس نمی گیرد؟ امام (ع) فرمود: خداوند این دنیا را آباد به بشر تحویل داد بنابراین آنرا جز به حالت آباد پس نمی گیرد. هارون پرسید: شیعیان تو کجایند؟ حضرت این آیه را تلاوت فرمود: "الم يكن الذين كفروا من اهل الكتاب والمشرکین منفکین حتی تاتيهم البيئه" (بینه/۱) "آن کسانی که کافر شدند از اهل کتاب و مشرکان باز نایستند تا وقتی که حجت پیدا برایشان بیاید. "هارون پرسید: آیا ما کافریم؟ امام (ع) پاسخ داد: نه. . . ولی چنان هستید که خداوند فرموده است: "الذين بدلوا نعمة الله كفراً وأحلوا قومهم دار البوار" (ابراهیم /۲۸) "کسانی که نعمت خدا را به کفر مبدل کردند و قوم خود را به سرای تباهی فرود آوردند. "

هارون با شنیدن این پاسخ خشمگین شد و بر او سخت گرفت. آن حضرت از زندان، جایی که دژخیمان جنایتکارِ هیأت حاکمه، آن را احاطه کرده بودند، نامه ای به هارون نوشت و در آن فرمود: "روزی از بلا و سختی بر من سپری نمی شود جز آنکه روزی از راحتی و رضا از تو سپری می گردد تا آنکه تمام روزهای ما دو نفر به روزی می رسد که پایان ناپذیر است و اهل باطل در آن روز زیانمند شوند. "

مرارت و شهادت امام علیه السلام

رنجها و غمهای امام موسی بن جعفر علیهما السلام بعد از فاجعه کربلا، دردناکتر و شدیدتر از سایر ائمه علیهما السلام بود. هارون الرشید همواره در کمین ایشان بود، اما نمی توانست به آن حضرت آسیبی برساند. شاید او از ترس اینکه مبدا سپاهیان در صف یاران آن حضرت در آیند، از فرستادن آنان برای دستگیری و شهید کردن امام خودداری می ورزید. از این رو بود هارون خود شخصاً به مدینه رفت تا امام کاظم علیه السلام را دستگیر کند. نیروهای مخصوص هارون به اضافه سپاهی از شعرا و علمای درباری و مشاوران، او را در این سفر همراهی می کردند و میلیونها درهم و دینار از اموالی که از مردم به چپاول برده بود را با خود حمل می کرد و به عنوان حق السکوت به اطرافیان خود در این سفر بذل و بخشش می نمود. و در این میان به رؤسای قبایل و بزرگان و چهره های سرشناس مخالف توجه و رسیدگی بیشتری نشان می داد. هارون الرشید



این گونه عازم مدینه شد تا بزرگ ترین مخالف حکومت غاصبانه خویش را دستگیر کند. چگونگی برخورد هارون در مدینه اول: هارون چند روزی نشست. مردم به دیدنش می آمدند و او هم به آنها حاتم بخشی می کرد تا آنجا که شکم های برخی از مخالفان را که مخالفت آنان با حکومت جنبه شخصی و برای رسیدن به منافع خاصی بود، سیر کرد. دوم: عده ای را مأموریت داد تا در شهرها بگردند و بر ضد مخالفان حکومت تبلیغات به راه اندازند. او همچنین شاعران و مزدوران درباری را تشویق کرد که در ستایش او شعر بسرایند و بر حرکت محاربه با هارون فتوا دهند. سوم: هارون قدرت خود را پیش دیدگان مردم مدینه به نمایش گذارد تا کسی اندیشه مبارزه با او را در سر نپروراند.

چهارم: هنگامی که همه شرایط برای هارون آماده شد، شخصاً به اجرای بند پایانی طرح توطئه گرانه خویش پرداخت. او به مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت؛ شاید حضور او مصادف با فرا رسیدن وقت نماز بوده که مردم و طبعاً امام موسی بن جعفر (ع) برای ادای نماز در مسجد حضور داشته اند. هارون به سوی قبر پیامبر (ص) جلو آمد و گفت: السلام علیک یا رسول الله! ای پسر عمو. هارون در واقع می خواست با این کار، شرعی بودن جانشینی خود را اثبات کند و آن را علتی درست برای زندانی کردن امام کاظم (ع) جلوه دهد. اما امام این فرصت را از او گرفت، صفها را شکافت و به طرف قبر پیامبر (ص) آمد و به آن قبر شریف روی کرد و در میان حیرت و خاموشی مردم بانگ برآورد: السلام علیک یا رسول الله! السلام علیک یا جداه! امام کاظم (ع) با این بیان می خواست بگوید: ای حاکم ستمگر اگر رسول خدا پسر عموی توست و تو می خواهی بنابراین پیوند نسبی، شرعی بودن حکومت خود را اثبات کنی باید بدانی که من بدو نزدیکترم و آن حضرت جد من است. بنابراین من از تو به جانشینی و خلافت آن بزرگوار شایسته ترم! هارون مقصود امام را دریافت و در حالی که می کوشید تصمیم خود را برای دستگیری امام کاظم (ع) توجیه کند، گفت: ای رسول خدا من از تو درباره کاری که قصد انجام آن را دارم پوزش می خواهم. من قصد دارم موسی بن جعفر را به زندان بيفکنم. چون او می خواهد میان امت تو اختلاف و تفرقه ایجاد کند و خون آنها را بریزد. چون روز بعد فرارسید، هارون، فضل بن ربیع را مأمور دستگیری امام کاظم (ع) کرد. فضل بر آن حضرت که در جایگاه رسول خدا (ص) به نماز ایستاده بود، در آمد و دستور داد او را دستگیر کنند و زندانی نمایند. سپس دو محمل ترتیب داد که اطراف آنها پوشیده بود. ایشان را در یکی از آنها جای داد و آن دو محمل را روی استر بسته بر هر یک عده ای را گماشت. یکی را به طرف بصره و دیگری را به سوی کوفه روانه کرد تا بدینوسیله مردم ندانند امام را به کجا می برند. امام کاظم (ع) در هودجی بود که به سمت بصره می رفت. هارون به فرستاده خود دستور داد که آن حضرت را به عیسی بن جعفر منصور که والی وی در بصره بود، تسلیم کند. عیسی یک سال آن حضرت را نزد خود زندانی کرد؛ سپس نامه ای به هارون نوشت که موسی بن جعفر را از من بگیر و به هر که می خواهی بپرداز و گرنه من او را آزاد خواهم کرد. من بسیار کوشیدم تا دلیلی و بهانه ای برای دستگیری او پیدا کنم، اما نتوانستم، حتی من گوش دادم تا ببینیم که آیا او در دعاهای خود بر من یا تو نفرین می فرستد، اما دیدم که او فقط برای



خودش دعا می‌کند و از خداوند رحمت و مغفرت می‌طلبد! هارون پس از دریافت این نامه، کسی را برای تحویل گرفتن امام موسی الکاظم (ع) روانه بصره کرد و او را روزگاری دراز در بغداد، نزد فضل بن ربیع، زندانی کرد. هارون خواست به دست فضل، آن امام (ع) را به شهادت برساند، اما فضل از اجرای خواسته هارون خودداری ورزید، در نتیجه هارون دستور داد که آن حضرت را به فضل بن یحیی تسلیم کند و از فضل خواست تا کار امام را یکسره سازد، اما فضل هم زیربار این فرمان نرفت. از طرفی به هارون که در آن هنگام در "رقه" بود، خبر رسید که امام موسی کاظم (ع) در خانه فضل به خوشی و آسودگی روزگار می‌گذرانند. از این رو هارون "مسرور" خادم را با نامه هائی روانه بغداد کرد و به وی دستور داد که یکسره به خانه فضل بن یحیی در آید و درباره وضع آن حضرت تحقیق کند و چنانچه وضع را همانگونه دید که به وی خبر داده اند، نامه ای را به عباس بن محمد بسپارد و به او امر کند تا آنرا به اجرا گذارد و نامه دیگری به سندی بن شاهک بدهد و به او بگوید که فرمان عباس بن محمد را به جای آورد. این ماجرا را از اینجا به بعد از یکی از روایات تاریخی پی می‌گیریم: این خبر به گوش یحیی بن خالد (پدر فضل) رسید. او بی درنگ سوار بر مرکب خویش شد و نزد هارون آمد و از دری جز آن در که معمولاً مردم از آن وارد قصر می‌شدند، پیش هارون رفت و بدون آنکه هارون متوجه شود از پشت سر او داخل شد و گفت: امیرالمؤمنین به سخنان من گوش فرا ده. هارون هراسان به وی گوش سپرد. یحیی گفت: فضل جوان است، اما من نقشه تو را عملی می‌کنم. چهره هارون از شنیدن این سخن از هم شکفت و به مردم روی کرد و گفت: فضل مرا در کاری نافرمانی کرد و من او را لعنت فرستادم، اینک او توبه کرده و به فرمان من در آمده است پس شما هم او را دوست بدارید. حاضران گفتند: ما هر کس را که تو دوست بداری دوست می‌داریم و هر کس را که دشمن بخوانی ما نیز او را دشمن می‌خوانیم!! و اینک فضل را دوست داریم. یحیی بن خالد از نزد هارون بیرون آمد و شخصاً با نامه ای به بغداد رفت. مردم از ورود ناگهانی یحیی شگفت زده شدند. شایعاتی درباره ورود ناگهانی یحیی گفته می‌شد، اما یحیی چنین وانمود کرد که برای سروسامان دادن به وضع شهر و رسیدگی به عملکرد کارگزاران به بغداد آمده و چند روزی نیز به این امور پرداخت. آنگاه سندی بن شاهک را خواست و دستور قتل آن حضرت را به او ابلاغ کرد. سندی فرمان او را به جای آورد. امام موسی کاظم (ع) هنگام فرا رسیدن وفات خویش از سندی بن شاهک خواست. غلام او را که در خانه عباس بن محمد بود، بر بالین وی حاضر کند. سندی گوید: از آن حضرت خواستم به من اجازه دهد که از مال خود او را کفن کنم، اما او نپذیرفت و در پاسخ من فرمود: ما خاندانی هستیم که مهریه زنانمان و مخارج نخستین سفر حجامان و کفن مردگانمان همه از مال پاک خود ماست و کفن من نیز نزد من حاضر است. چون امام دعوت حق را لبیک گفت فقها و چهره های سرشناس بغداد را که هیشم بن عدی و دیگران نیز در میان آنها بودند، بر جنازه آن حضرت حاضر کردند تا گواهی دهند که هیچ اثری از شکنجه بر آن حضرت نیست و وی به مرگ طبیعی جان سپرده است. آنان نیز به دروغ به این امر گواهی دادند. آنگاه پیکر بی جان امام را بر کنار جسر (پل) بغداد گذارده، ندا دادند: این موسی بن جعفر است که (به مرگ



طبیعی) جان سپرده است. بدو بنگرید. مردم دسته دسته جلو می آمدند و در سیمای آن حضرت به دقت می نگریستند. امام در زندان روایات تاریخی نقل می کنند که امام کاظم (ع) از زندان با شیعیان و هواخواهانش ارتباط برقرار می کرد و به آنها دستوراتی می داد و مسایل سیاسی و فقهی آنان را پاسخ می گفت: به راستی امام کاظم (ع) چگونه با شیعیان خویش رابطه برقرار می کرد؟ شاید این ارتباط از راههای غیبی صورت می گرفت، اما احادیث بسیاری این نکته را روشن می کنند که بیشتر کسانی که امام (ع) نزد آنان زندانی می شد از معتقدان به امامت وی بودند. اگر چه حکومت می کوشید زندانبانهای آن حضرت را از میان خشن ترین افراد و طرفداران خود برگزیند، اما آنها (زندانبانان) از نحوه عبادت امام کاظم (ع)، دانش سرشار و مکارم اخلاقی آن حضرت اطلاع داشتند و کرامات بسیاری را از آن حضرت مشاهده کرده بودند. و حکومت شکست می خورد پس سکی از راه های ارتباط امام با شیعیان از طریق برخی از همین زندانبانان بود. در کتاب بحار الانوار آمده است که عامری گفت: هارون الرشید کنیزی خوش سیما به زندان امام موسی کاظم (ع) فرستاد تا آن حضرت را آزار دهد. امام در این باره فرمود: به هارون بگو: "بل انتم بهدیتکم تفرحون" (نمل/۳۶) بلکه شما به هدیه خود شادمانی کنید" مرا به این کنیز و امثال او نیازی نیست. هارون از این پاسخ خشمگین شد و به فرستاده خویش گفت: به نزد او برگرد و بگو: ما تو را نیز به دلخواه تو نگرفتیم و زندانی نکردیم و آن کنیز را پیش او بگذار و خود بازگرد. فرستاده، فرمان هارون را به انجام رساند و خود بازگشت. با بازگشت فرستاده، هارون از مجلس خویش برخاست و پیشکارش را به زندان امام موسی کاظم (ع) روانه کرد تا از حال آن زن تفحص کند. پیشکار آن زن را دید که به سجده افتاده و سر از سجده بر نمی دارد و می گوید: قدوس سبحانک سبحانک. هارون از شنیدن این خبر شگفت زده شد و گفت: به خدا موسی بن جعفر آن کنیز را جادو کرده است. او را نزد من بیاورید. کنیز را که می لرزید و دیده به آسمان دوخته بود در پیشگاه هارون حاضر کردند. هارون از او پرسید؟ این چه حالی است که داری؟ کنیز پاسخ گفت: این حال، حال موسی بن جعفر (ع) است. من نزد او ایستاده بودم و او شب و روز نماز می گذارد. چون از نماز فارغ شد زبان به تسبیح و تقدیس خداوند گشود. من از او پرسیدم؟ سرورم! آیا شما را نیازی نیست تا آن را رفع کنم؟ او پرسید: مرا چه نیاز به تو باشد؟ گفتم: مرا برای رفع حوایج شما بدین جا فرستاده اند. گفت: اینان چه هدفی دارند؟ کنیز گفت: پس نگرستم ناگهان بوستانی دیدم که اول و آخر آن در نگاه من پیدا نبود، دراین بوستان جایگاههایی مفروش به پر و پرنیان بود و خدمتکاران زن و مردی که خوش سیماتر از آنها و جامه ای زیباتر از جامه آنها ندیده بودم، بر این جایگاهها نشسته بودند، آنها جامه ای از حریر سبز پوشیده بودند و تاج ها و درّ و یاقوت داشتند و در دستهایشان آبریزها و حوله ها و هر گونه طعام بود. من به سجده افتادم تا آنکه این خادم مرا بلند کرد و در آن لحظه پی بردم که کجا هستم. هارون گفت: ای خبیث شاید به هنگامی که در سجده بودی، خواب تو را در گرفته و این امور را در خواب دیده باشی؟



کنیز پاسخ داد: به خدا سوگند نه، پیش از آنکه به سجده روم این مناظر را دیدم و به همین خاطر به سجده افتادم. هارون به پیشکارش گفت: این زن خیث را نزد خود نگه دار تا مبادا کسی این سخن را از او بشنود. زن به نماز ایستاد و چون در این باره از او پرسیدند، گفت: عبد صالح (امام موسی کاظم (ع)) را چنین دیدم آن زن تا زمان مرگ به همین حال بود. این ماجرا چند روز پیش از شهادت امام کاظم (ع) رخ داد.

موانع مهرورزی

از جمله مهمترین موانع مهرورزی در عصر کنونی غلبه حس دنیا دوستی و شهو درآدمیان است. علماء اخلاق معتقدند آدمی زمانی که دچار قساوت قلب شد بر اثر مرور زمان قلب خود را که جایگاه اصلی مهرورزی است به پایگاه خشم و نفرت تبدیل میکند. قلب انسانها بر اثر انباشته شدن نفرت و خشم به موجودی مسخ شده تبدیل می شود که هرکاری از او ممکن است سرزنند. جهان معاصر مانیز متأسفانه بر اثر رواج فرهنگ ماشینیسیم و ماشین مداری فاصله شایان توجهی با اصول و معیارهای معرفتی و محبتی قرنهای سراسر افتخار خود گرفته است. انسان معاصر می کوشد تا به جای دل خوش کردن به خود اوقات خود را با ساخته های دست خود بگذراند. ساخته هایی که هرکدام مبین سختی و خشونت است ماشین آلاتی که جز سردی هدیه دیگری به محیط مهربانی آدمیان نیاورده اند. اکنون زمان رسیدن به خود فرا رسیده است. زمان رهایی از بند هوی و هوس و به قول حافظ شیراز زمان پرده بر فکندن از غبار تن حجاب چهره جان می شود غبار تن خوشا دمی که از این چهره پرده بر فکنم.

نتیجه گیری

والدین بر فرزندان خود به روشهای گوناگون اثر می گذارند، مکانیسیم های مختلفی که ممکن است اثرات ساختار خانواده بر پیامد های رفتاری فرزندان را نشان دهد، بشمار است. با این وجود چهار مکانیسیم اولیه که در منابع مختلف درباره ی آنها بحث شده است عبارتند از: وضعیت اقتصادی، اجتماعی سازی والدین، استرس کودکی و رفاه روانشناختی مادری یکی از عوامل مهم تعیین کننده ی اثر ساختار خانواده بر پیامدهای رفتاری و اجتماعی جوانان، وضعیت اقتصادی خانواده می باشد زیرا ساختار خانواده و وضعیت اقتصادی همبسته هستند و درآمدهای پایین پیامدهای منفی برای بچه ها دارد خانه برای کودک زمینه ای ایجاد می کند که در آنجا آموختن و اجتماعی سازی صورت گیرد و جدای از سایر متغیرها، کیفیت و محیط خانه و بویژه میزان مهرورزی در خانواده نتایج مهمی برای بچه ها دارد. یک محیط خانه ی مناسب مرتبط با فرصتهایی برای یادگیری و آموختن بوده و با گرمی و حمایت احساسی و مهرورزی باعث رشد سالم و نمو بچه ها خواهد شد تئوری استرس بیان می کند که تغییرات در سازمان خانواده و شرایط باعث ایجاد استرس در زندگی بچه ها می شود. به این دلیل که تغییرات ممکن است منجر به ایجاد دگرگونی هایی در پویایی خانواده، سازماندهی و نقش هایی شود که باعث تغییرات رفتاری برای بچه ها و



افراد بالغ می شود سلامت روانی مادر مکانیسم دیگری است که ممکن است مسئول اثرات ساختار خانواده بر رفتار بچه ها و نمرات تست شناختی بچه ها باشد. مادران تنها نرخ های بالاتری از افسردگی و سطوح پایین تری از عملکرد روانشناختی را نسبت به سایر مادران نشان می دهند. سلامت روانی ضعیف مادران به طور معکوس رفتار فرزندان را تحت تاثیر قرار می دهد خانواده های فرزند خوانده رفاه کمتر و کیفیت روابط ضعیف تری نسبت به خانواده های واقعی نشان می دهند. مادر خوانده ها بیان می کنند که بچه های آنها بیشترین مشکلات برون سازی را دارند. و مادران در خانواده های دو والدی واقعی کمترین مشکل را در این زمینه دارند. مادر خوانده ها عدم توافق با فرزندان را نسبت به سایر مادر ها گزارش می کنند. دومین دیدگاه این است که اجتماعی سازی توسط دو والد بهینه است. اگر این مسئله درست باشد، باید انتظار داشت که خانواده های تک والدی بدتر از سایر چهار نوع دیگر باشند. مشخص شده که مادران تنها رفاه کمتری نسبت به مادران متأهل داشتند. آنها در روش های سازگار از سایر خانواده ها متفاوت نبودند و بچه ها در خانواده های مادر تنها هیچ تفاوتی در رفاه یا سایر روابط در مقایسه با سایر خانواده ها گزارش نداده اند. سومین دیدگاه بر تقدم روابط تنی با دو والد تاکید دارد. بر اساس این دیدگاه می توان انتظار داشت که خانواده های تک والدی، والد ناتنی و فرزند خوانده در مقایسه با خانواده هایی که دو والد متأهل که با فرزندان تنی خود زندگی می کنند، ناقص هستند. یافته های تحقیقی حمایت محدودی برای این دیدگاه ایجاد می کند. بعلاوه پدرها در خانواده های دو والدی گزارش نموده اند که زمان بیشتری با بچه های خود می گذرانند و پیوستگی خانوادگی بیشتری نسبت به پدران در سایر خانواده ها دارند. دیدگاه چهارم اهمیت فرایند های خانواده در همه ساختار های خانواده را بیان می کند و بیان می کند که ساختار خانواده در پیش بینی رفاه و کیفیت روابط و میزان مهرورزی و کیفیت روابط نسبتاً غیر مهم است. در واقع پدر ها از ساختارهای متفاوت خانواده در گزارش های خود در مورد رفاه خود، رفاه بچه ها، پایه ی تحصیلی بچه ها، روابط خانوادگی، دوستی بچه ها، میزان محبت به بچه ها و برعکس، تفاوتی را بیان نمی کنند. همچنین تفاوت های ساختار خانواده در رفاه مادر و گزارش های مادر از رفاه بچه ها بعد از کنترل متغیر های فرایند خانواده مهم نمی باشد.

به طور خلاصه بیشترین حمایت برای دیدگاهی است که پیشنهاد می کند فرایند هایی که در همه ی انواع خانواده رخ می دهند مهمتر از ساختار های خانواده در پیش بینی رفاه، مهر و محبت و پیامد های روابط می باشند. این موضوع بویژه برای گزارش های پدران و فرزندان صحیح می باشد. الگوی یافته ها بر اساس گزارشات مادران بسیار پیچیده بود ولی بعد از کنترل برای عدم توافق بین همسران و بین مادران و بچه ها تفاوت های ساختار خانواده در رفاه مهم نبود. علاوه بر تهیه ی اطلاعات درباره ی زندگی بچه ها، مطالعات انجام شده اطلاعات مهمی با بیان رفاه والدین و روابط آنها ایجاد می نماید. وارد نمودن رفاه والدین تصویر کامل تری از چگونگی انواع مختلف خانواده می دهد. بعلاوه مطالعه ی اولیه ی خانواده های فرزند خوانده بر پایه ی جمعیت های کلینیکی و گروه های تیپیک کنترل و یا کنترل های ضعیف، اندازه های کوچک



نمونه، و تعداد محدود معیارهای پیامد با قابلیت اعتماد قابل سوال و اعتبار، مطالعات نتایج روش شناختی این کار اولیه را نشان می دهد. محدودیت هایی نیز مثل عدم وجود اطلاعات در مورد شرایط پیش بینی کننده ی فرزند خواندگی. بخاطر اینکه بچه های با نیازهای ویژه ممکن است مشکلات نموی و رفتاری به خانواده های خود بیاورند و در نتیجه این بچه ها ممکن است پیامد های بدنی به دنبال فرزند خواندگی داشته باشند، بنابراین یک جهت کلیدی برای تحقیقات آینده بررسی ارتباط های بین فرایند های خانواده، کیفیت روابط، رفاه درون و میان ساختارهای خانواده خواهد بود. یافته های تحقیقاتی پیشنهاد می کند که فرزند خواندگی، طلاق و ازدواج مجدد لزوماً با مشکلات تنظیمی که در منابع کلینیکی گزارش شده مرتبط نمی باشد.